

AU NOM DE DIEU

Après avoir lu et examiné le mémoire de Parvaneh Hashémi, nous, soussignés, les membres de Jury, sommes d'avis favorable pour sa soutenance.

Membres de Jury:

Directeur de recherche : Madame le Docteur **Roya Letafati**

Professeur invité: Madame le Docteur **Elmira Dadvar**

Professeur invité: Madame le Docteur **Parivash Safa**

Professeur invité: Monsieur le Docteur **Hamid Reza Chaïri**

Directeur du département: Monsieur le Docteur **Hamid Reza Chaïri**

Date de la soutenance : 13 mars 2011



بسمه تعالی

آیین‌نامه چاپ پایان‌نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان‌نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی ر رعایت حقوق دانشگاه، دانش‌آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می‌شوند:

ماده ۱ در صورت اقدام به چاپ پایان‌نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲ در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه)، عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان‌نامه کارشناسی ارشد / رساله دکتری نگارنده در رشته است
که در سال در دانشکده دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم / جناب آقای دکتر ، مشاوره سرکار خانم / جناب آقای دکتر و مشاوره سرکار خانم / جناب آقای دکتر از آن دفاع شده است.»

ماده ۳ به منظور جبران بخشی از هزینه‌های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه، می‌تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴ در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ‌شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵ دانشجو تعهد و قبول می‌کند در صورت خردداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می‌تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می‌دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه‌شده نگارنده برای فروش، تأمین نماید.

ماده ۶ اینجانب پروانه چاپ کتاب را از دانشجو رشته آموزش زبان فارسی مقطع کارشناسی ارشد تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می‌شوم.

نام و نام خانوادگی: روانه‌ها سس

تاریخ و امضا:

۱۳۹۱/۰۳/۰۳

آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه یا عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشکده و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران شرح در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عنوان پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می‌باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با ثبت سند راهنمای اصلی، یکی از اسلاید راهنما، مشاور و یا دانشجوی مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اسلاید راهنما و دانشجوی می‌باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم‌افزار و یا آثار ویژه (لثری عنری، مفید، تیلیم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده علم مرکز تحقیقاتی، پژوهشگاه هد پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین‌نامه‌های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و ثبت دانش فنی و یا ارائه یافته‌ها در چشودارهای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۲/۶ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۳/۲۲ در هیأت رئیسه دانشگاه به تصویب رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۲/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

اینجنتب- دانشجوی رشته- - - - - وروای سال تحصیلی- - - - -
مقطع- - - - - دانشگاه- - - - - مضمود می شوم کلیه نکات مندرج در آئین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته‌های علمی مستخرج از پایان‌نامه / رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آئین‌نامه فوق‌الذکر به دانشگاه و کفالت و نمایندگی می‌دهم که از طرف اینجانب نسبت به نفر امتیاز اختراع یندم بنده و یا هر گونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نمایند. ضمناً نسبت به جبران نوری خسرد و زیان حاصله بر اساس پروتکل دانشگاه اقدام خرامم نمود و بینوسینه حق هر گونه اعتراض را از خود سلب نمودم.

امضاء: _____

تاریخ: _____



Université Tarbiat Modares
Faculté des Sciences Humaines
Département de Français
Mémoire de Master en Didactique de FLE

L'étude de la traduction française de la
Poésie de Sohrab Sépéhri

Présenté par :
Parvaneh Hashemi

Sous la direction de:
Mme.le docteur Letafati

Mars 2011

Remerciements

Je tiens à exprimer toute ma reconnaissance et ma profonde gratitude à ma directrice de recherche ,Madame le docteur Letafati, qui a bien voulu diriger et enrichir ma recherche avec tous ses conseils précieux tout au long de ce travail. Ses encouragements et ses idées pleines d'énergies m'ont poussé à continuer chaque fois ce travail avec une nouvelle force.

Je remercie Madame le docteur Safa, de ses cours intéressants dans lesquels j'ai vécu des expériences assez précieuses et aussi d'avoir lu mon travail .

J'exprime mes remerciements à Monsieur le docteur Chaïri, directeur du département, d'avoir lu ce travail ,ainsi que tous les professeurs qui m'ont aidé au cours des années de mes études à l'université Tarbiat Modares.

J'adresse mes remerciements à Madame le docteur Dadvar d'avoir accepté de faire partie du jury de ma soutenance.

Finalement je voudrais remercier Madame le docteur Djalili, avec qui j'ai commencé la langue française ,dont les soutiens et les encouragements m'étaient indispensable pendant mes études.

Abstract

Translation as a tool for transmission of culture and thought is so important. Style of translation is not similar for different texts. Translator's dominance of content is valuable. Style of poetry translation is miscellaneous. In the process of poetry translation, the translator is restricted by the constraints of form, because the content and form develop simultaneously and the form contains literally figures of speech and poetic features of the source text. Besides in poetry, same similes and sarcasms used, which is special in that culture and translation of such cases is very difficult and almost impossible. Sohrab Sepehri used simple language, a new outlook towards nature, pure human mystical and pure thought which has special place in contemporary literature. Sohrab Sepehri's poems translated by Daryush Shayegan, and in this research, the translation is evaluated. It's assumed that poetry translation is a type of literary translation and it's completely different from technical and prose translation, then cultural aspects of translation will be investigated. The research investigated whether cultural aspects of Sepehri's poems transferred completely or not. The researcher hope that the result of this research will be useful in teaching and specially in translation courses.

key words: translation, literature, poetry, culture, style, translator

Resumé

La transmission du savoir et de la culture, par le biais de la traduction, d'une langue à une autre est une chose évidente. La traduction de chaque texte, selon ses caractères, demande une certaine méthode, différente des autres textes, par exemple la traduction des textes techniques n'est pas la même que les textes littéraires. Pour traduire une poésie, le traducteur se heurte à des difficultés innombrables : la relation étroite entre la forme et le fond (son et sens), la rhétorique, les figures de style et les images, rythme, musicalité, et enfin, la barrière de la culture, qui empêche le lecteur étranger à comprendre l'implicite qui se cache sous les mots. Dans cette recherche, nous allons étudier, selon les théories de traduction, les aspects différents concernant la traduction poétique, en général, et la traduction française des poèmes de Sohrab Sépéhri (1928-1981), faite par Daryush Shayegan, en particulier, qui grâce à son langage naturel et familier (ancré dans le mysticisme oriental) et sa vision du monde particulière, joue un rôle essentiel dans la littérature contemporaine de l'Iran. En suite, nous allons vérifier le rôle de traducteur comme un médiateur culturel. Nous espérons que les résultats de cette recherche soient utiles dans les cours de didactique de traduction.

Mots-clés : traduction littéraire, poème, culture, style, traducteur

Introduction

*Traduire...Être à la fois fourmi et cheval
Le risque est toujours d'être ou trop cheval
ou trop fourmi...
N.Ginzburg,1983*

De nos jours, il nous paraît impossible d'envisager qu'un texte jugé intéressant et essentiel puisse rester « enfermé » dans sa langue d'origine, qu'il ne puisse pas être transposé dans une autre langue et ne pas être connu par des lecteurs qui ne parlent pas la langue dans laquelle il a été écrit. C'est pour cette raison que la traduction a pris et prend de plus en plus d'importance, et ceci dans tous les domaines, aussi bien en ce qui concerne la littérature, l'industrie que les sciences naturelles et humaines.

Dans le champs de la traduction,la traduction littéraire constitue un art distinct,non seulement à cause de défis particuliers qu'elle suppose ,mais aussi ,et surtout ,parc qu'elle nous donne accès à l'imaginaire de l'Autre et nous permet d'entrer dans sa galaxie. De plus,la traduction littéraire contribue à mieux connaître un auteur dans sa propre langue. Dans le champs de la traduction littéraire,celle de poésie se révèle une tâche encore plus difficile. Car si la traduction littéraire se caractérise par le lien

particulièrement étroite entre la forme et le fond, la traduction de poésie se présente comme plus délicat.

« *Le poème est un accident qui arrive à la langue* »¹. En réalité, le poète, avec son poème, réalise une action que le lecteur parvient à distinguer du langage quotidien. Le formaliste russe Victor Shklovsky appelle la poésie « *la resurrection des mots* ».² Car, les mots employés dans le langage quotidien sont usés et morts et ne parviennent pas à attirer notre attention. Mais la poésie peut faire renaître le sens de ces mêmes mots.

La complexité du langage poétique reflète une double dimension, l'une référentielle, l'autre stylistique et esthétique. A partir de là, on se demande comment le traducteur peut passer de ce système aussi complexe et spécifique à un autre semblable pour ne pas transgresser les règles élémentaires de l'art poétique, à savoir le caractère phonique, prosodique et rythmique, d'où la beauté de la poésie et la relation très étroite entre sens et son. Cette relation fait de la poésie et de sa traduction un art du langage. Ce qui signifie que le traducteur doit être un excellent technicien du langage.

Certes, Sohrab Sépéhri (1928-1980), à cause de caractères particuliers de son poème (le langage simple, le lexique familier, les thèmes nouveaux) attire notre attention comme objet d'étude. La majorité des jeunes iraneins connaissent Sépéhri, au moins, ils se rappellent quelques vers de ce grand poète contemporain. le poème *Les pas de l'eau* (صدای پای آب) et les vers comme :

*il faut vivre tant que demeurent les coquelicots*³

تا شقایق هست زندگی باید کرد

¹ شفيعی کدکنی, محمدرضا موسیقی شعر, انتشارات آگاه, تهران, ۱۳۸۶, ص ۴۵

² *Ibidem*, p.9

³ Shayegan, Darush, *Oasis d'émeraude*, Hermes, Téhéran, 2002, p.20

ou

Si vous venez m'y chercher

Venez-vous –en donc lentement et doucement

De crainte que ne se raye

*La porcelaine de ma solitude*¹

به سراغ من اگر می آید
نرم و آهسته بیایید, مبادا که ترک بردارد
چینی نازک تنهایی من

Et

*Où est la demeure de l'Ami?*²

خانه دوست کجاست؟

restent toujours dans la mémoire iranienne.

La poésie sépéhrienne se libère de tous les clichés qui abandonnent dans la littérature traditionnelle iranienne. A côté de l'esprit mystique, il met les éléments abstraits et concrets dans une même ligne et crée des images poétiques originales. Grâce aux différents voyages, il est influencé par la littérature mondiale, et on sait bien que le poète a une culture universelle. La principale particularité de Sépéhri c'est son nouveau regard sur le monde. Il nous invite à l'amour, à la lumière et à la simplicité. La nature et l'amitié sont les thèmes essentiels de son poème.

La première traduction française des poèmes de Sohrab Sépéhri a été faite en 1979 par Dsaryush Shayegan (professeur, philosophe et traducteur). Les quatre recueils dans lesquels il a fait son choix ont été les suivants : *l'Orient de la tristesse* (شرق اندوه), *l'Espace vert* (حجم سبز), *Tout néant, tout regard* (ما

¹ Shayegan, Darush, *Oasis d'émeraude*, Hermes, Téhéran, 2002, p.28

² Shayegan, Darush, *Oasis d'émeraude*, Hermes, Téhéran, 2002, p.25

هیدچ ما نگاه) et *Les pas de l'eau* (صدای پای آب). Quant à la méthode de traduction, il faut noter que l'accès au poète, son secours et sa connaissance du français ont, d'après l'expression du traducteur, «résolu maints problèmes épineux». Dans la préface de son livre, D. Shayegan écrit «*Pour certaines pages, j'ai demandé au poète de repenser en français ce qu'il avait initialement dit au persan, ou de modifier telle tournure de phrase, telle image impossible à rendre directement. J'ai essayé, en d'autres termes, de "désincarner l'original pour le réincarner dans une autre langue" comme le dit si bien Marguerite Yourcenar au sujet de sa traduction des poèmes de C. Cavafy. Ce que nous voulions, Sépéhri et moi-même, c'était la reproduction fidèle de la cadence intérieure de ses poèmes, de l'atmosphère qui les anime et de l'espace où ils se meuvent, transposant, d'autre part, dans un autre contexte les timbres et les sonorités de l'original, de cette langue persane si souple, si pétrie de l'essence même de ce qui constitue l'âme de la poésie.*»¹ Jalal Alavina² et Nahid Djalili³ ont présenté, eux aussi, la traduction de certains poèmes de Sépéhri. Pour faire la comparaison et afin de mieux réaliser cette recherche, nous avons mis en parallèle ces différentes traductions.

Questions de recherche :

Cette recherche nous conduit vers les questions suivantes :

1. Est-ce que le style de Sépéhri est-il bien reproduit à travers sa traduction?
2. Jusqu'à quel point le traducteur a-t-il réussi de transmettre les connotations culturelles existant dans la poésie sépéhrienne?

¹ Shayegan, Darush, *Oasis d'émeraude*, Hermes, Téhéran, 2002, p.3

² Alavina, Jalal, *Où est la maison de l'ami*, Paris, Lettres persanes, 2005

³ Djalili, Nahid, *Etendue verte*, Téhéran, Université Al-Zahra, 2010

Hypothèses de recherche :

Nous tentons à répondre à ces questions en ayant recours aux hypothèses suivantes :

1. A cause des différences linguistiques et culturelles, ce n'est pas possible de reproduire, à travers la traduction, le style de Sépéhri, ou tout autre poète, tel quel est dans sa langue maternelle.

2. Quant à la traduction des connotations culturelles, D. Shayegan a donné la priorité au sens, en effaçant l'étrangeté du texte persan. En d'autres termes, la culture iranienne est disparue, tandis que c'est nécessaire de permettre au lecteur de connaître les différents modes de vie et de pensée de la communauté dont cette langue étrangère est l'expression.

Notre travail de recherche se divise en trois chapitres.

Dans le premier chapitre, nous nous intéressons à présenter l'histoire de la traduction, ainsi que les théories et les grands théoriciens dans ce domaine. Nous allons étudier ensuite la définition de la poésie, ses caractéristiques et les différents types du genre poétique.

On verra aussi quelles obstacles et difficultés se posent aux traducteurs lors de la traduction de poésie.

Le deuxième chapitre est consacré à Sohrab Sépéhri : sa vie et ses œuvres. Seront ainsi étudiés les thèmes de son œuvre, son style et son langage.

Le troisième chapitre se compose de deux parties.

Dans la première partie, nous essayerons d'étudier les théories de la traduction poétique, et puis on va analyser la traduction française des poèmes de Sépéhri en se basant sur ces théories, tout en la comparant avec celle de M. Alavinia et de Mme. Djalili.

Dans la deuxième partie on se penchera sur la notion de culture et les éléments culturels auxquels est confronté un traducteur pendant le processus de la traduction, on analysera ainsi les éléments culturels dans la poésie sépéhrienne et sa traduction.

Ce travail de recherche aura pour **objectif** de fournir aux traducteurs un certain cadre pour les guider dans la traduction poétique, et nous espérons que les résultats de cette recherche soient utiles dans les cours de didactique de traduction.

Chapitre I

Aperçu historique de la traduction

La traduction à travers l'histoire

Depuis la naissance de l'écriture, la traduction révèle le mouvement constant des idées et des formes qui diffuse les connaissances, importe et exporte les cultures. Tous ceux qui s'intéressent à la traductologie s'accordent sur un point au moins : l'origine de la traduction se perd dans la nuit des temps. Nous savons comme est complexe et long, aussi bien au niveau du temps que de la géographie, le chemin suivi par l'ensemble des connaissances que nous avons faites *nôtres*, mais qui venaient des *autres*, à travers de véritables chaînes de traduction, qui ont permis la circulation des idées.

Symboliquement, l'histoire de la traduction commence avec la destruction de la mythique Tour de Babel. Cette destruction représente la fin de l'unité linguistique universelle. Sûrement la traduction a des origines très anciens. En effet, les hommes ont dû y recourir chaque fois qu'une communication devait être établie entre deux peuples de langues différentes.

L'étymologie du mot traduction est hésitante. On ne sait pas exactement s'il provient du latin *traducere* (de *trans-ducere* : faire passer à travers) ou de l'italien *tradurre*. Avant ce terme, l'ancien français employait le terme *traslater*, maintenu en anglais, provenant du latin *traslatio*.

La traduction, par le fait de la complexité, par son appartenance à tous les domaines de l'activité humaine, par son immense incidence culturelle et littéraire, mérite d'être constituée en un domaine du savoir et de la connaissance. La traduction mérite d'être considérée autrement que comme pratique intermédiaire, comme voie ou moyen de communication, et l'on doit cesser de penser le texte traduit dans ses aspects uniquement utilitaires. On

peut considérer la traduction comme carrefour intertextuel et interculturel, mais également comme un art. Autrement dit, le traducteur évolue au moins entre deux langues, deux cultures et souvent deux époques.

Steiner, dans son ouvrage intitulé *Après Babel*¹, propose de diviser l'histoire de la réflexion sur la traduction en quatre périodes distinctes : la première période débute en l'an 46 av. J.C avec le célèbre précepte de Cicéron « *de ne pas traduire verbum pro verbo* » et se terminerait vers 1813 avec le remarquable essai de Friedrich Schleiermacher. Cette période se caractérise essentiellement par une approche empirique de la traduction et une insistance sur le rôle du traducteur. La deuxième période est celle de la théorie herméneutique de la traduction, initiée par Schleiermacher et adoptée, par la suite, par Schlegel et Humboldt. Il s'agit d'une approche à dominante philosophique qui s'étend jusqu'à Valéry Larbaud (sous l'invocation de Saint Jérôme, 1946). La troisième période débute à la fin des années 1940 avec l'essor des recherches sur la traduction automatique (T.A). Elle met à l'honneur une approche formaliste de la traduction et recourt massivement à la linguistique structurale. La quatrième période prend naissance par un renouvellement des interrogations herméneutiques sur la traduction et l'interprétation.

Cette périodisation de Steiner a été parfois critiquée et complétée. Certains traductologues s'interrogent sur l'inégale longueur de ces périodes dont la première couvre quelque dix-huit siècles, alors que la seconde s'étend sur un seul, et que les deux dernières concernent seulement une trentaine d'années chacune.

En réponse à ces critiques, Kelly a repris la classification de Steiner et divisé la période la plus longue en cinq parties : préclassique, Moyen-âge,

¹ Steiner, Georges, *Après Babel, une poétique du dire et de la traduction*, Paris, éditions Du Seuil, 1980

classique, Renaissance, Lumières . D'autres traductologues préfèrent à l'ordre chronologique une présentation thématique de la traduction.

Certains traductologues enfin envisagent cette histoire du point de vue de l'objet traité : ainsi Meschonnic note une évolution générale en trois temps : L'historique européen du traduire est passé de l'unité-mot à l'unité-groupe puis à l'unité-texte. De littéralisme théologique à la paraphrase culturelle puis à l'exactitude érudite.¹

Depuis que l'homme traduit, il n'a cessé d'émettre des réflexions sur la manière de traduire. En réalité, c'est en réfléchissant sur l'opération traduisante que les traducteurs, de tous temps, sont arrivés à exprimer des théories de la traduction.

Certes, il serait faux de penser qu'avant le milieu du vingtième siècle, aucune observation utile n'avait jamais été faite en ce qui concerne la théorie de la traduction. En Europe du moins, c'est dans la Rome antique qu'on commença à traduire en s'interrogeant sur les méthodes à adopter. C'est à cette époque que des textes grecs scientifiques sont traduits selon la méthode dite grammaticale, c'est-à-dire mot à mot. Toutefois, lorsqu'il s'agissait de textes littéraires, le principe dit «rhétorique» prévalut, qui consistait en une adaptation stylistique plutôt libre, point de vue, par exemple d'Ennius, de Cicéron, et de Quintilien..

Saint Jérôme (340-420) établit une transition vers une nouvelle conception de la traduction: alors que dans sa traduction de la Bible, il essaie de demeurer fidèle au «mot», dans ses traductions des pères de l'église grecs, il

¹ Guidère, Mathieu, *Introduction à la traductologie, penser la traduction: hier, aujourd'hui, demain*, Paris / Bruxelles, De boeck Université, 2008

suit le principe cicéronien qui consiste à rendre l'esprit de l'original, à transposer les spécificités de l'idiome grec par le biais des particularités de la langue latine.

Durant le Moyen Âge, les textes philosophiques, religieux et scientifiques sont en général traduits de manière littérale du latin en langue vulgaire. Au cours de cette période sont établis d'importants centres de traduction, entre autres à Bagdad (VIIIe-IXe siècle.), où des savants arabes traduisaient Aristote et Platon, à Tolède (XIe-XIIe siècle) où des textes grecs sont traduits en latin et en hébreu, par le biais de traductions arabes.

En Orient, c'était à l'époque Abbasside que la traduction a connu un grand essor. Parmi les traducteurs de cette époque, on peut nommer Hunayn Ibn Ishaq qui avait, avec la collaboration de ses disciples, élaboré une méthode de traduire qu'on pourrait résumer :

- Rendre le sens sans le trahir
- Prendre en considération le destinataire tout en sauvegardant l'essentiel du sens. Il faut que la traduction soit lisible d'une manière très naturelle pour ne pas sentir la traduction.

Bien évidemment, grâce à l'invention de l'imprimerie, les traductions en langue vulgaire se multiplièrent pendant la Renaissance. Ainsi, le XVIe siècle était considéré comme l'«âge d'or de la traduction». C'est aussi une époque de réflexions et de controverses sur les manières de traduire. Ainsi le poète humaniste, traducteur, imprimeur et éditeur français Etienne Dolet publie sa *Manière de bien traduire d'une langue en autre* (1540), premier

ouvrage traitant des problèmes de la traduction en une langue européenne moderne. Dans son traité, il établit cinq principes fondamentaux :

1. Il faut que le traducteur entende parfaitement le sens et matière de l'auteur qu'il traduit.
2. Il faut que le traducteur ait une parfaite connaissance de la langue de l'auteur qu'il traduit et de même, une parfaite connaissance de la langue dans laquelle il traduit.
3. En traduisant, il ne faut pas s'asservir au mot à mot.
4. Le traducteur doit utiliser les tournures qui sont naturelles dans la langue réceptrice.
5. Le traducteur doit veiller à l'équilibre de la phrase, à l'harmonie de la construction du texte.¹

Joachim Du Bellay, poète et traducteur du sixième siècle, était le premier à parler du caractère ingrat de la traduction. Il pensait que la traduction n'était bonne que pour transmettre le sens sinon elle ne pourrait que rester secondaire par rapport au texte original. Il avait rejeté l'attachement au style surtout pour traduire la poésie. De là il avait prêché l'intraduisibilité de la poésie sauf si le traducteur a une inspiration égale à celle de l'auteur.

En France du moins, malgré une certaine désaffection des princes, le XVIIe siècle apparaît également comme une grande période pour la traduction. Bon nombre d'écrivains réputés s'y consacrent volontiers, tels Malherbe, Chapelain, Vaugelas, Boileau. On traduit enfin la *Poétique et la Rhétorique* d'Aristote. Nicolas Perrot d'Ablancourt (1606-1664) était un des premiers à préconiser des traductions qui fussent plutôt des transpositions

¹ Margot, Jean-Claude ; *Traduire sans trahir*, Lausanne, l'Age d'Homme, 1979